





ستایش در خواب

در خواب فرو رفته بودم عمیق

رویایی دیدم بی نهایت زیبا

اما در یاد ندارم دقیق

آسمان بود یا دریا؟

شاید هم نیلوفری ابی

یا بلبلای بر درخت

عاشقانه ای بدون شرح
Instagram:ali.f7798

که می خواند تو را عاشقانه بس زیبا

یا که پرتوی زرین خورشید

که می درید تاریکی را

برای خلق طلوعی شگفت انگیز

شگفت انگیز تر از رقص گندم در باد

من در یاد ندارم که چه دیدم در خواب

ولی هر چه که بود

خود نمایی خلاق خدایی تو بود



تنهایی

دور تا دور من تاریکیست

هوا سردتر از حد تحمل

استخوان سوز است

تشنه ی باریکه ای امید

از آشنایی دل انگیزم

و چه آرزوی خامی

خسته ام

عاشقانه ای بدون شرح
Instagram:ali.f7798

فرسوده ام

بریده است تاب و توانم را

این همه سال تنهایی



بغض

بغض گلویم را می فشارد

با تمام توان

با هر دو دست

خسته است از دست من

می فهمی چرا؟

چون بعد رفتنت به بند کشیدمش

عاشقانه ای بدون شرح
Instagram:ali.f7798

در زندان تن

سلول گلو



کودک کار

قصه می گویم اکنون

قصه ای رنگ پریده زرد و بیمار

جفای زمانه کرده ام بی تاب

قصه ای غمگین تر از مجنون و فرهاد

قصه ی نازک گلی

در میان سیلی باد دی

که نا جوانمردانه میزند

از چپ و راست

عاشقانه ای بدون شرح
Instagram:ali.f7798

تا بشکند و سرخ شود این گل ایران

و چه زیباست این گل

که در اوج سیاهی ها

در میان جور این مردم دون

روی ساقه ی نازک خود ایستاده سر افراز

سرافرازتر از یک سرو مغرور در باد



عاشق آس و پاس

زرد زرد است

زرد تر از آجر توی دیوار

رنگ معشوقه ی تنها این است

مرحمم نگاه تو بود

دریغ کردی حتی یک تک نگاه رو از من

گفتند آب مایه ی حیات است

دروغ بود

حیات نگاه تو بود

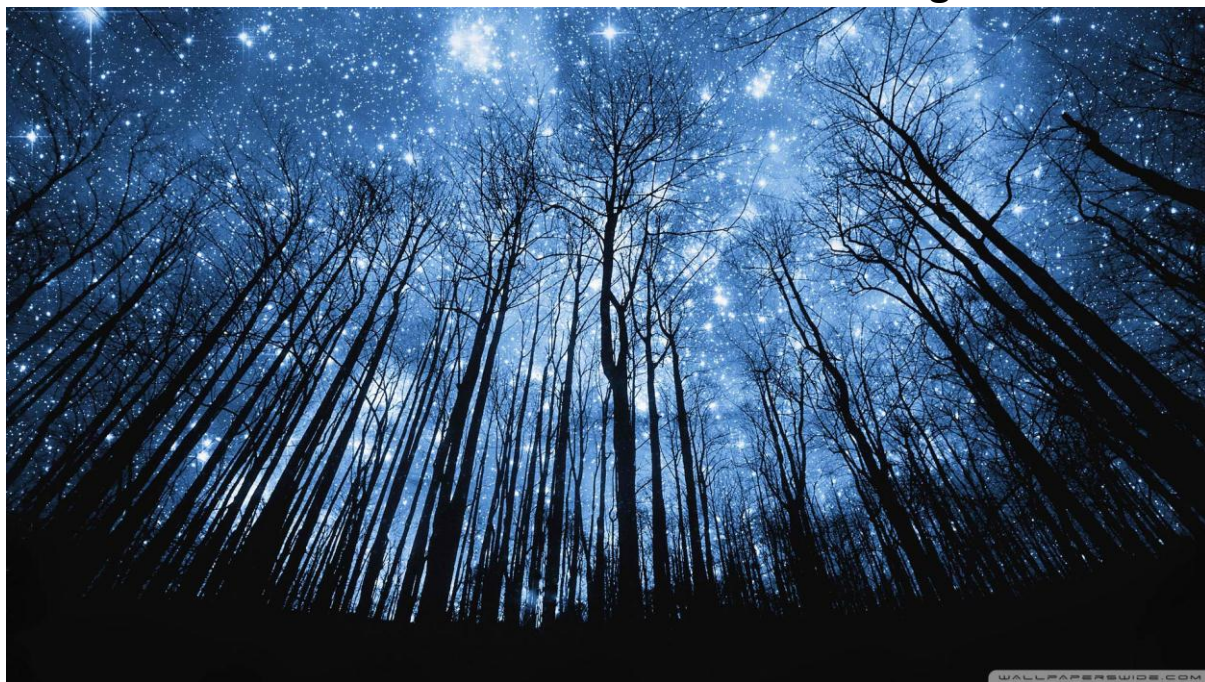
عاشقانه ای بدون شرح
Instagram:ali.f7798

از پشت پنجره به من

حیات خنده ی تو بود

به حال یک عاشق آس و پاس

به حال من



ماهرخ

از روی چون ماه تو هست

روشنی شب های من

روز منم مثل شبام یه ماه داره

ای ماه من

ماهرخ زیبای من

در هر کجا در هر زمان

ذکر تو و یاد تو هست

عاشقانه ای بدون شرح
Instagram:ali.f7798

ای نفسم

هم نفسم

ای ماهرخ

زیبای من



چهار فصل

پاییز شده چهار فصل من

بعد از بهار رفتنت

گلی دیگه در نمیاد

خزون اومد جاشو گرفت

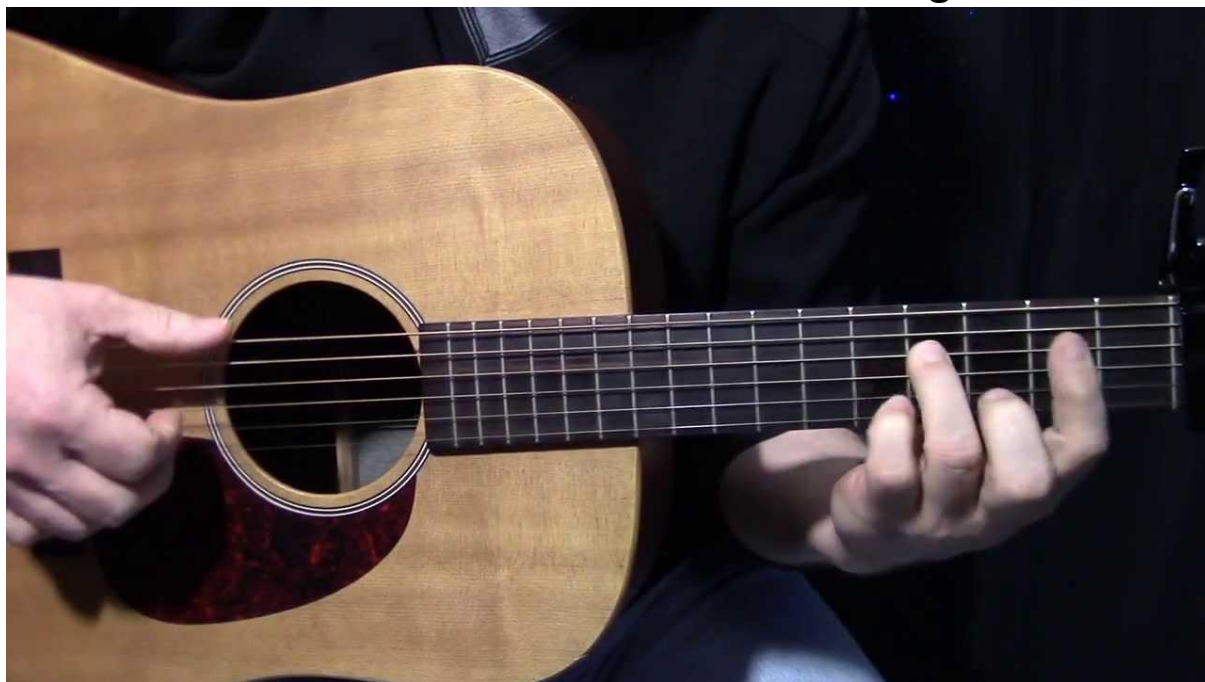
عاشقانه ای بدون شرح
Instagram:ali.f7798

دیگه تو آسمون شب

ستاره ای چشمک نزد

کسی دیگه از پشت سر

اسم منو صدا نزد



ساز ناکوک

صدایم

به مانند صدای ساز سرما دیده ای ناکوک

که از سینه ی سوخته ام می آید

منعکس در کوها

و شبی نیست که به خواب روم

بدون دیدن خواب شیرین

و پایم آبله در پی این عشق تلخ شکر مانند

عاشقانه ای بدون شرح
Instagram:ali.f7798

و طبیبان بی فایده به فکر درمانند

مگر نمی دانند که تاوان عشق پروانه

سوختن به پای شمع است؟



خاطرات

قاب عکس خاک خورده ای

در طاقچه ی اتاق

کنار شاخه گلی پژمرده از بی مهري

تداعي خاطرات مي کند

عاشقانه ای بدون شرح
Instagram:ali.f7798

از من و تو

دو روح در یک بدن

دو تن اما یک نفر

فنجان خاکی تر از قاب عکس

و این بد است

تنهایی مطلق من

در بین شلوغی آشکار

و هم همه های پوچ روزگار

چشم های عمیق در خواب اما همیشه بیدار

دستمای گرم گرم

و دلی سرد سرد

سردتر از سوز زمستان

دی ماه

و کسی درک نکرد حال مرا

شده ام بی تاب چون ماهی دور از آب

عاشقانه ای بدون شرح

Instagram:ali.f7798

مدتی است خوابم با چشمان باز بی خواب



بی فروغ

پشت هر پنجره ی دود گرفته

دوخته شده نگاهی به راه

نگاهی بی انتها

غم زده نمناک

و در حال غروب

فریادی خفه شده در پیچ و تاب گلو

شب‌نم خسته از پیمودن راه

عاشقانه ای بدون شرح
Instagram:ali.f7798

بر روی برگ گل

یک مسیر تکراری

هر روز صبح

دوباره از نو

بی هدف

پوچ

بیدها می رقصند با باد در بامداد

فریاد تاریکی گوش شنوایی را کر کرده

و نمی شنود انگار

که وقت بیدار شدن است

دیگر بس است خواب



عاشق واقعی

بر کوچه ی نگاهت

چه گل ها که کاشتم

تا شاید زیبا بیایم

من بر دیدگانت

اما چه ابله بودم

عاشقانه ای بدون شرح
Instagram:ali.f7798

خاری میان گل ها

بدجور به چشم می اید

در آن همه زیبایی

جایی برای یک خار

معلوم که نداری

حتی اگه که اون خار

زخم بزن به اون که

به کوچه ی نگاهت

دائم بارون میاره

یه خار همیشه هستش

تو کوچه ی نگاهت

تا نزاره هیچکسی

شادیات رو بچینه

یه خار همیشه هستش

برعکس اون گلی که

عاشقانه ای بدون شرح
Instagram:ali.f7798

بعد از بهار همیشه

تنهات میزاره میره



حال ابری

آسمون شعر من ابریه ابری

حال غزل من بد بد

با عشق تو گرم مثل خورشید

با رفتن تو سرد عینمهو یخ

با لعل لبست مست ترینم

بی تو نفسم در گلو بند

با تو در عرش شناور

عاشقانه ای بدون شرح
Instagram:ali.f7798

بی تو بر فرش اتاق داده ام لم

با تو سرد سرد می شد استکانم

با تو قوری خاکی و خالی ز چایی

با تو من قمری مست مستم

بی تو جفدم

پر و بال بستم

خیره به راه تا صبح نشستم که بیایی

یک لحظه هم پلک نبستم

و شب تاریک تاریک

که پس از آن صبح نیامد

که نیامد

که نیامد



یار همیشگی

سیاه است شب و ظلمت بسیار

داد میزنم پس کجایی ای خدا

عاشقانه ای بدون شرح
Instagram:ali.f7798

می گذرد ساعت و چشمم بی خواب

اگر پیش روم می بینم

که نوری ز دور می آید

آغوشش باز

گل لبخندش می شکفت

می کند دست دراز

می کشد در آغوش

گرم و صمیمی مرا

زمزمه می کند در گوشم

تو کجا و این سیاهی ها کجا؟

کی شد آن لبخند شیرین تو تلخ؟

کی خواندی صیغه محرمیت با اشک؟

کی شد آن دست بلند کوتاه ز عرش؟

به خیال پوچ و سنگینت رهایت میکنم؟

می روم تنها یک گوشه من نگاهت می کنم؟

عاشقانه ای بدون شرح
Instagram:ali.f7798

من رهایت می کنم!!!

این تو بودی که ز من دور شدی

خود رفتی و فکر کردی فراموش شدی؟

من که بودم پیش تو در هر نفس؟

این تو بودی که رفتی تو قفس

منتظر ماندم صدایم بکنی

نیم نگاهی تو به بالا بکنی

تا به آغوشت بگیرم سفت و سخت

سرخ و شرمنده شدم

بغض راه گلویم را بسته بود

فریاد بلندم خفه بود

با نگاهم گفتم

که خدایی در این نزدیکیست

لای این شب بوها پای آن کاج بلند

عاشقانه ای بدون شرح
Instagram:ali.f7798

ممنون بابت اینکه خوندین و کم و کاستی ها رو تحمل کردین منتظر نظراتون هستم

ارادتمند شما

علی فیروزی

(ع.ف)